Theories and criticism in Arabic literature
The Fourth year, Number15, Autumn1403
Pp: 21-36

Research Paper

DOI: 2602-1102

Ahlal-Bayt(a.s.) in the Mirror of the Poetry of Dik al-JinnHomsi

Morteza Gadimi[1]

(Received: 2026/03/01 ,Accepted: : 2026/02/09)

Abstract

What you are reading under the title "Ahl al-Bayt (a.s.) in the Mirror of the Poetry of Dik al-Jinn Homsi" is a small attempt to introduce the life and poetry of one of the most prominent poets in the field of Arabic language and literature, who dedicated his poetry to the Ahl al-Bayt (a.s.). This research first presents a glimpse of the life of Dik al-Jinn Homsi by citing reliable sources, and then, using a descriptive-analytical method and referring to original sources, extracts the odes and poetic fragments in which the poet describes the Ahl al-Bayt (a.s.), and presents and explains the image of the Ahl al-Bayt (a.s.), which is one of the most important themes in Dik al-Jinn's poetry. Although Dik al-Jinn al-Humsi was one of the greatest poets in the field of Arabic language and literature during the Abbasid era, the golden age of Islamic history and civilization, he was ignored throughout history due to his Shiite beliefs and tendencies, and dedicating a significant portion of his poems to the Ahl al-Bayt (a.s.), and despite his literary merits, he has only been marginalized in Arabic literature. In the most complete collection of Dik al-Jinn al-Humsi's poetry, the one compiled by Mazhar al-Hajji, there are a total of ٩ odes and a piece containing ١٦٢ verses about the Ahl al-Bayt (a.s.). The most important meanings and topics that he deals with in these poems and pieces are: expressing the distinguished characteristics of the Ahl al-Bayt (a.s.) and their high position, praising Imam Ali (a.s.) and defending his succession in the caliphate of the great Prophet of Islam, lamenting Imam Hussein (a.s.) and his loyal companions and describing what happened to them in the desert of Karbala, and finally, lamenting Hazrat Fatima (a.s.) and describing the heavenly nature of her marriage to Imam Ali (a.s.).

Keywords: Ahl al-Bayt (a.s.), Dik al-Jinn Homsi, Dik al-Jinn Homsi poem, Ahl al-Bayt (a.s.) in Dik al-Jinn Homsi poem, committed literature of the Ahl al-Bayt (a.s.).

---

١. Assistant Professor Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: mor.ghadimi@gmail.com

© The Author. Publisher: Kosar University

التنظيرات و النقد فی الأدب العربي
السنة الرابعة، العدد ١٥ خريف ١٤٠٣
صص: ٣٦-٢١

مقاله پژوهشی
DOI: ٢٦٠٢-١١٠٢

اهل بیت (ع) در آینه شعر دیک الجن حمصی

مرتضی قدیمی [١]

(تاریخ ارسال: ۱۴۰۴.۱۱.۲۰ ، تاریخ پذیرش:۱۴۰۴.۱۲.۱۰)

چکیده

آنچه که با عنوان «اهل بیت (ع) در آینه شعر دیک الجن حمصی» پیش روی دارید، تلاش کوچکی است در راستای معرفی زندگی و شعر یکی از شاخص‌ترین شاعران عرصه زبان و ادبیات عربی که شعرش را وقف اهل بیت کرده است. این پژوهش ابتدا با استناد به منابع معتبر شمه ای از زندگی دیک الجن حمصی را ارائه داده و سپس با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به مصادر و منابع اصیل، قصاید و قطعات شعری را که در آن شاعر به وصف اهل بیت پرداخته است، استخراج کرده و سیمای اهل بیت را که یکی از مهمترین مضامین شعری دیک‌الجن است، ارائه و تبیین نموده است. با وجود اینکه دیک الجن حمصی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران عرصه زبان و ادبیات عربی در عصر عباسی یعنی عصر طلایی تاریخ و تمدن اسلامی بوده است اما به دلیل داشتن باورها و گرایشات شیعی، و اختصاص دادن بخش قابل توجهی از اشعارش به اهل بیت ، در طول تاریخ، نادیده گرفته شده و علی‌رغم شایستگی‌های ادبی‌اش، سهمی جز حاشیه‌نشینی در ادبیات عربی نبرده است. در دیوان این شاعر مجموعا ۹ قصیده و قطعه حاوی ١٦٢ بیت درباره اهل بیت به چشم می‌خورد. مهم‌ترین معانی و موضوعاتی که وی در این قصائد و قطعه‌ها بدان می‌پردازد عبارتند از: بیان ویژگیهای ممتاز اهل بیت وجایگاه والای ایشان، مدح امام علی و دفاع از جانشینی او در خلافت پیامبر بزرگ اسلام، رثای امام حسین و یاران وفادارش، و سرانجام، رثای حضرت فاطمه (س) و وصف آسمانی ازدواج ایشان.

واژه های کلیدی

اهل بیت (ع)، دیک الجن حمصی، شعر دیک الجن حمصی، اهل بیت (ع) در شعر دیک الجن حمصی، ادبیات متعهد اهل بیت (ع).

---

١. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد- ایران، ایمیل: morteza.ghadimi@kub.ac.ir

© **حق مولف نویسنده** **ناشر**: دانشگاه کوثر

مقدمه

با وجود اینکه دیک الجن حمصی، یکی از بزرگ‌ترین و شاخص‌ترین شاعران عرصه زبان و ادبیات عربی در عصر عباسی یعنی عصر طلایی تاریخ و تمدن اسلامی بوده است اما به دلیل داشتن باورها و گرایشات شیعی و اختصاص دادن بخش قابل توجهی از اشعارش به اهل بیت (ع)، در طول تاریخ، نادیده گرفته شده و علی‌رغم شایستگی‌های ادبی‌اش، سهمی جز حاشیه‌نشینی در ادبیات عربی نبرده است. از میان‌بردن دیوان خطی این شاعر گرانمایه که شواهد زیادی بر وجود آن در دست است (الحلبوني، ۲۰۰۱.م: ۱٤۰) و حذف اشعار شیعی وی از دیوان‌های چاپی روزگار معاصر، تنها، بخشی از هزینه سنگینی می‌باشد که دیک الجن حمصی در راه پر مخاطره عشق و ارادت به اهل بیت (ع) پرداخته است.

بر خلاف کشورهای عربی که تلاش‌هایی در راستای معرفی دیک الجن و شعرش انجام داده‌اند متاسفانه در ایران، علی رغم اهمیت دیک‌الجن که شاعری شیعه است و اشعار بسیار زیبا و مهمی درباره اهل بیت (ع) دارد، تلاش چندانی چه برای شناساندن این شاعر و چه برای معرفی مضامین موجود در اشعار وی صورت نگرفته است و جای پژوهش هایی که بتوانند زندگی و شعر دیک‌الجن را مورد کند و کاو قرار داده و زوایای مختلف پیدا و پنهان شعر این شاعر گرانمایه را بنمایانند بسیار خالیست.

در آنچه که با عنوان «اهل بیت (ع) در آینه شعر دیک الجن حمصی» پیش روی دارید و در حقیقت تلاشی است هر چند ناچیز، در راستای معرفی این شاعر گرانمایه، و ارائه مضامین شعری وی، تلاش شده است ابتدا با استناد به منابع معتبر شمه ای از زندگی دیک‌الجن حمصی ارائه شود و سپس با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به مصادر و منابع اصیل، قصاید و قطعات شعری که در آن شاعر به وصف و مدح اهل بیت (ع) پرداخته است استخراج شده و سیمای اهل بیت (ع) که یکی از مهمترین مضامین شعری دیک‌الجن حمصی است، ارائه و تبیین گردد.

تلاشهایی که در زبان عربی برای معرفی دیک‌الجن و شعرش انجام شده، و با وجود ارزشمند بودن، راه را بر پژوهش های بیشتر و بهتر نمی بندد شامل دو بخش است: بخش اول که گردآوری دیوان دیک الجن و شرح و ترجمه آن است، و بخش دوم که تحلیل زندگی، افکار و موضوعات شعری وی است و در این زمینه کسانی چون مظهر الحجّي صاحب کتاب **دیک‌الجن الحمصی**، خالد الحلبونی صاحب کتاب **دیک‌الجن الذاتية و الإبداع**، سلیم مجاعص صاحب کتاب **دیک‌الجن ثقافت الرواة شفافية النص**، احمد سویلم صاحب کتاب **دیک‌الجن شاعر الحب و الندم**، و حسن جعفر نورالدین صاحب کتاب **دیک‌الجن الحمصي عصره و حياته و فنونه الشعرية** کارهای نسبتا ارزشمندی را انجام داده‌اند.

نام، لقب و نسب دیک الجن

وی أبومحمد، عبدالسلام بن رغبان بن عبدالسلام بن حبیب بن عبدالله بن رغبان بن یزید بن تمیم است که اصل دودمانش به روستای مؤتة در سرزمین شام برمی‌گردد (الإصفهاني، ج ١٤: ٥١). از نیاکان وی، نخستین کسی که اسلام آورد، تمیم بود که به دست حبیب بن مسلمه فهری به این افتخار نائل آمد (صافي، ٢٠٠٦.م: ١٩). مشهورترین شخص از اجداد او هم حبیب بن عبدالله بن رغبان است که در عصر منصور خلیفه عباسی، کاتب بود و مسجد ابن رغبان در بغداد بدو منسوب است (الجهشياري، ١٩٣٨.م: ١٠٢).

نام عبدالسلام بن رغبان چنان تحت شعاع لقبش دیک الجن قرار گرفته است که اکثریت قریب به اتفاق کتاب‌هایی که از وی نامی برده یا زندگی و شعرش را بررسی کرده اند، او را به دیک الجن شناخته و شناسانده‌اند. کتاب‌های یادشده برای شهرت یافتن عبدالسلام به دیک الجن، دلایل گوناگونی را برشمرده‌اند: برخی علت این امر را چشمان سبز وی دانسته‌اند، برخی دیگر تقلید وی از صدای خروس را علت آن

ذکر کرده‌اند، و گروهی هم سببش را وصف خروس در شعر این شاعر می‌دانند که در قصیده‌ای با مطلع زیر انجام شده است (الحجي، ١٩٨٩.م: ٢٠):

دَعَانا أَبُوعَمْرٍو عُمَيْرُ بنُ جَعْفَرٍ عَلى لَحْمِ دِيكٍ دَعْوَةً بعدَ مَوْعِدِ

فَقَدَّمَ دِيكاً عُدَّ دَهْراً ذَمَلَّقاً مُؤَنِّسَ أَبْياتٍ مُؤَذِّنَ مَسْجِدِ

اما آنچه در این زمینه تا حدودی پذیرفتنی می‌باشد و در شماری از کتاب‌ها نیز بدان اشاره شده، آن است که وی بخاطر عادتش به زندگی در باغستان‌ها و نوشیدن شراب، بدین لقب شهرت یافته است زیرا همان‌طور که دمیری به نقل از کتاب **عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات** قزوینی، ذکر می کند: دیک الجن، جانور کوچکی است که در بوستان‌ها زندگی می کند و اگر در شراب کهنه انداخته شود تا بمیرد و در خمره شراب رها شود و سر آن بسته شود و سپس در وسط خانه دفن گردد، دیگر اثری از موریانه در آن دیده نخواهد شد (الدميري، ١٩٦٥.م: ج١: ٤٨٨).

زندگی دیك الجن

علی‌رغم اینکه خانواده دیک‌الجن از خانواده‌های مشهور زمان خود بود و برخی اعضایش چون حبیب بن عبدالله رغبان؛ کاتب و صاحب دیوان عطا در روزگار منصور خلیفه عباسی (الجهشياري، ١٩٣٨.م: ١٠٢) به مناصب بالای حکومتی رسیده بودند، ولی از زندگی، شرح حال و خانواده این شاعر، اخبار چندانی به ما نرسیده است. گرچه علت این اهمال چندان روشن نیست ولی علاوه بر دوری زادگاه شاعر از مرکز خلافت یعنی بغداد، دو عامل اساسی را در این باره می‌توان ذکر نمود: نخست گرایشات شیعی دیک‌الجن، و دیگری فلسفه خاص او در زندگی که وی را بر آن می‌داشت تا بیشتر از آنکه در خدمت صاحبان زر و زور باشد، برای خودش زندگی کند. مجموع این دو عامل سبب شده بود تا دیک‌الجن نه بخواهد و نه بتواند به دربار خلفای عباسی نزدیک شده و به مدح ایشان بپردازد. عملا هم می‌بینیم با اینکه دیک‌الجن روزگار هشت تن از خلفای عباسی را درک کرده ولی حتی یک بیت هم در مدح آنها نسروده است. بنابراین اگر دوری دیک الجن از صاحبان زر و زور را در کنار این نکته قرار دهیم که متاسفانه همیشه، این حکومتها هستند که تاریخ را می‌نویسند، علت گمنامی نسبی دیک‌الجن، تا حد زیادی روشن می شود. شایان ذکر است که رفتار نامأنوس و زندگی بی بندوبار دیک‌الجن هم در امر یادشده، بی‌تاثیر نبوده است.

اطلاعات جسته و گریخته‌ای که از دیک‌الجن به ما رسیده، به همراه آنچه از شعر وی برمی‌آید حاکی از آن است که وی در سال ١٦١ هجری قمری در شهر حمص شام (صافي، ٢٠٠٦.م: ١٩) و در خانواده‌ای فرهیخته و نسبتا ثروتمند دیده به جهان گشود. علوم مختلف زمانش بویژه علوم زبانی، ادبی، تاریخی و دینی را که از اجدادش به ارث برده بود، در مسجد؛ جایی که حلقه‌های درس علما برگزار می‌شد، کامل کرد چنان که بعدها بدانها می‌بالید: (الحجي، ١٩٨٩.م: ٧٣):

ما الذَّنْبُ إلاّ لِجَدِّي حينَ وَرَّثَنِي عِلْماً وَ وَرَّثَهُ مِنْ قَبْلِ ذاكَ أَبِي

فالحَمْدُ للهِ حَمْداً لا نَفَادَ لَهُ ما المرْءُ إلاّ بِمَا يَحْوِي مِنَ النَّسَبِ

دیک‌الجن بیشتر زندگیش را در دامن طبیعت و در بوستان‌های شهر حمص از شهرهای سوریه کنونی به خوشی گذرانید. نه به سیر و سیاحت علاقه ای داشت و نه به دربار حاکمان، از این رو جز موارد نادری آن هم تنها برای دیدار با دوستانش احمد بن علی هاشمی و برادرش جعفر؛ که در سَلَمْیَه یکی از توابع حمص می‌زیستند، زادگاهش را ترک نکرد. پسرعمویی به نام ابوطیب داشت که همواره وی را امر و نهی می کرد و از هوسرانی باز می‌داشت، و گاه اتفاق می‌افتاد هنگامی که دیک‌الجن برای تفریح، با دوستانش دور هم گرد می‌آمدند،

ابوطیّب بر آنها وارد می‌شـــد و دیک‌الجن و دوســـتانش را تحقیر می‌کرد. اما زمانی که امر و نهی و تحقیرهای ابوطیّب از حد گذشـــت، دیک‌الجن قصیده‌ای با مطلع زیر در هجو وی سرود (الإصفهاني، ج ١٤: ٥٥):

مَـــوْلاتُـــنـــا يا غُـــلامُ مُـــبْـــتَـــكِـــرَهْ فـــبـــاكِـــرِ الـــكـــأسَ لي بـــلا نَـــظِـــرَهْ

ابووهب حمصـی؛ برادرزاده دیک‌الجن، یکی دیگر از نزدیکان وی بوده که همین اخبار اندکی را که از دیک الجن به ما رسـیده، مدیون او هستیم زیرا ابووهب که اهل شـعر و ادب، و حافظ اشـعار و اخبار عمویش بود، پس از دیک‌الجن، تنها مصـدر اخبار و اشـعار وی به شمار می‌رفت و اخبار و اشـعاری که ابوالفرج اصـفهانی در کتاب **الأغانی** از دیک‌الجن نقل می‌کند، از کتابی گرفته شـده که محمد بن طاهر؛ یکی از معاصران دیک‌الجن بر اساس اطلاعاتی که ابووهب از عمویش در اختیار وی قرار داده، نوشته است ولی متاسفانه این کتاب به دست ما نرسیده است (همان: ٢٢).

درباره رغبان؛ پدر دیک‌الجن چیزی در کتابهای تاریخ ادبیات و حتی تاریخ عام به چشـــم نمی‌خورد اما چنانکه برخی کتابها ذکر می‌کنند دیک‌الجن پســـری به همین نام یعنی رغبان داشـــته اســـت که در حیات دیک‌الجن دیده از جهان فرو می‌بندد و وی ابیات زیر را در رثای او می‌سراید (ابن خلّکان، ١٩٧٨.م: ج ٣: ١٨٤):

بأبي نَـــبَـــذْتُـــكَ بالـــعَـــراءِ المـــقْـــفِـــرِ وسَـــــتَرْتُ وَجْـــهَـــكَ بالـــتُّرابِ الأَعْـــفَـــرِ

بأبي بَـــذَلْـــتُـــكَ بـــعـــدَ صَـــــوْنٍ لـــلـــبِـــلَـــى و رَجَـــعـــتُ عـــنـــكَ صَـــــبرتُ أَمْ لَمْ أَصْـــــبِرِ

لـــو كـــنـــتُ أقـــدرُ أنْ أَرى أثـــرَ الـــبِـــلَـــى لَـــتركـــتُ وجـــهَـــكَ ضـــــاحِـــيـــاً لَمْ يُـــقْـــبَرِ

دَثَـــرَتْ مَحـــاسِـــنُـــهُ و أصـــــبـــحَ مـــاؤُهُ ســـــقـــيَ الـــتُّرابِ و كـــانَ أَحْسَـــــنَ مَـــنْـــظَـــرِ

بزرگ‌ترین رویدادی که در زندگی دیک‌الجن حمصی به وقوع پیوست آشنایی وی با زیبارویی مسیحی به نام **ورد** یا به روایت ابن خلکان (همان: ١٨٦) **دنیا** بود که سـراسـر حیات شـخصـی و ادبی دیک‌الجن را تحت تاثیر قرار داد. دیک‌الجن که با دیدن ورد به شـدت شـیفته و دلباخته‌اش شـده بود با اصـرار تمام او را به اسـلام فرا خواند تا بتواند با وی ازدواج کند. ورد هم که آن همه شـیفتگی را در دیک‌الجن می دید، سرانجام اسلام آورد. این دو پس از ازدواج، مدتها در کنار هم به خیر و خوشی روزگار می گذراندند و دیک الجن در وصف یارش به غزلسرایی می‌پرداخت (الإصفهاني، ج ١٤: ٥٤):

أُنْـــظُـــرْ إلى شَمْـــسِ الـــقُصـــــورِ و بَـــدْرِهَـــا و إلى خُـــزامـــاهـــا و بَهْـــجَـــةِ زَهْـــرِهَـــا

لَمْ تَـــلْـــقَ عَـــيْـــنُـــكَ أبـــيضـــــاً في أسْـــــودٍ جمـــعَ الجـــمـــالَ كـــوَجْـــهِـــهَـــا في شَـــــعْـــرِهَـــا

وَرْدِيَّـــةُ الـــوَجَـــنـــاتِ يخـــتـــبرُ اسْمَـــهـــا مِـــنْ رِيـــقـــهـــا مَـــنْ لا يُحـــيـــطُ بِخُـــبْرِهَـــا

تَسْـــــقِـــيـــكَ كـــأسَ مُـــدَامَـــةٍ مِـــنْ كَـــفِّـــهـــا وَرْدِيَّـــــةٍ و مُـــدامـــةً مـــن ثَـــغْـــرِهَـــا

اما دیک‌الجن که دارایی های به ارث برده از پدر را اندک اندک در راه لذت‌هایش تمام کرده بود پس از مدتی اوضاع مادی اش رو به وخامت نهاد و مجبور شد مدتی را در سَلَمیَه نزد احمد بن علی هاشمی، دور از حمص و یارش ورد روزگار بگذراند. ابوطیب پسرعموی دیک‌الجن هم که بویژه پس از ازدواج دیک الجن با این بانوی نصرانی بیش از پیش از لاابالی گری‌ها و بی‌بندوباری‌های پسرعمویش به تنگ آمده بود

فرصت را غنیمت شمرد و دسیسه‌ای مبنی بر خیانت ورد به دیک‌الجن چید و باعث شد که دیک‌الجن همسر و معشوقه‌اش را با دستان خود بکشد (همان: ٥٥) و سپس به قول خودش تا پایان عمر بر این ماجرا بگرید و افسوس بخورد:

لَيْتَني لَمْ أَكُنْ لِعَطْفِكِ نِلْتُ و إلى ذلكَ الوِصَالِ وَصَلْتُ
فالّذي فِيَّ اشْتَمَلْتِ عليهِ أَلِعَارٍ ما قَدْ عليهِ اشْتَمَلْتُ
قالَ ذُو الجَهْلِ قَدْ حَلُمْتَ و لا أَعْـ ـلَمُ أَنِّي حَلُمْتُ حتّى جَهِلْتُ
لائِمٌ لي بِجَهْلِهِ و لماذَا أَنا وَحْدِيْ أَحْبَبْتُ ثُمَّ قَتَلْتُ
سَوْفَ آسَى طُولَ الحياةِ و أَبْكِيـ ـكِ على ما فَعَلْتِ لا ما فَعَلْتُ

پس از این ماجرای غم‌انگیز، دیک‌الجن مدت کوتاهی را به دور از حمص در دمشق گذراند اما در بازگشت دوباره به زادگاهش سرانجام، حقیقت ماجرای ورد را دریافت در نتیجه از کرده‌اش پشیمان شد ولی چنانکه گفته اند: دیگر کار از کار گذشته بود.

دیک‌الجن حمصی پس از حدود هفتاد و پنج سال زندگی ماجراجویانه که گرچه بیشتر آن با خوشی سپری شد ولی پایان بسیار غم انگیزی داشت، سرانجام در سال ٢٣٦ هجری قمری (الحجي، ١٩٨٩.م: ٣٠) غریبانه دیده از جهان فروبست و به علت رفتار نامأنوسی که در زندگی داشت کسی حاضر نشد چنانکه وی امثال ابوتمام را رثا گفته بود، او را رثا بگوید.

هرچند پیشتر اشاره شد که دیک الجن علاقه ای به سیر و سفر نداشت و جز موارد نادری زادگاهش حمص را ترک نکرد، با این حال وی به دور از رویدادها و بی‌خبر از آنچه که در جامعه آن روز می‌گذشت، نبود چراکه خانه‌اش مقصد شاعران بزرگی چون أبونواس، دعبل و أبوتمام بود که از گوشه و کنار سرزمین‌های اسلامی برای دیدار با وی به حمص می‌آمدند.

ابن خلکان در کتابش **وفيات الأعيان** می‌گوید: زمانی که ابونواس از شهر حمص می‌گذشت تا برای مدح خصیب بن عبدالحمید به مصر برود، دیک‌الجن از رسیدن وی به حمص آگاه شد و از ترس اینکه مبادا کم‌مایگی‌اش نسبت به ابونواس برملا شود، خودش را پنهان کرد. ابونواس که برای دیدن دیک‌الجن به خانه او رفته بود و می‌دانست که وی در خانه است، در زد و اذن دخول خواست اما کنیزش گفت که وی در خانه نیست. ابونواس به کنیز گفت: به دیک‌الجن بگو بیرون بیا که تو با این گفته ات:

مُوَرَّدَةٌ مِنْ كَفِّ ظَبْيٍ كأَنَّما تَنَاوَلَهَا مِنْ خَدِّهِ فَأَدَارَهَا

اهل عراق را سرگشته و شیفته خود ساخته‌ای. دیک‌الجن چون این سخن ابونواس را شنید، خارج شد و سپس این دو با هم نشستند و دیک‌الجن باقی قصیده‌اش را انشاد کرد (ابن خلّكان، ١٩٧٨.م: ج ٣: ١٨٥).

دیک‌الجن، شاعر تناقضات

پیش از بررسی سیمای اهل بیت (ع) در شعر دیک‌الجن، اشاره به دو نکته بسیار مهم، لازم و ضروری می‌نماید: اول اینکه، دیک‌الجن چه در شخصیتش و چه در شعرش بسیاری تناقضات را با هم گرد آورده است. وی از طرفی شاعر اهل بیت (ع) است و ایشان را به تقوی و فضائل اخلاقی می‌ستاید، از طرفی دیگر زندگی و شعرش سرشار از بی‌بندوباریست، از طرفی عاشق و دلباخته همسرش ورد بوده، و از طرفی دیگر قاتل وی، از طرفی شیفته زنان است، و از طرفی دیگر آنها را موجودات بی‌عهد و وفایی می‌داند که تنها به درد کامجویی می‌خورند، از طرفی شاعری عرب است که به قبیله‌اش کلب افتخار می‌کند، و از طرفی دیگر گاه چنان عرب را مورد تاخت و تاز قرار داده که برخی وی را از شعوبیان دانسته‌اند، از طرفی در عصر متمدنی چون عصر عباسی با آن همه ابعاد اجتماعی‌اش زندگی می‌کند، و از طرفی دیگر زندگی

شهرنشینی و ارزش‌های اجتماعی‌اش را رها کرده و چون صعلوکان عصر جاهلی به دامان طبیعت پناه می‌برد، و از طرفی شاعری شامی است که شامیان به قصیده عربی سنتی پایبندند، اما از طرفی دیگر مقدمه‌های طللی قصیده عربی را به سخریه می‌گیرد و به کنارگذاشتن آنها فرا می‌خواند (الحجي، ۱۹۸۹.م: ۵۵).

نکته دوم هم این است که برخی معتقدند بی‌بندوباری دیک‌الجن، مصلحتی بیش نیست زیرا وی نیز چون هم‌کیشش ابونواس که گرایشات شیعی داشت، روی به تظاهر به بی‌بندوباری آورده تا از طرفی از تعقیب حکومت در امان باشد و از طرفی دیگر مشکلات و بی‌بندوباری‌های جامعه به اصطلاح اسلامی آن زمان را که زمامداری‌اش از شیعیان، غصب شده و به دست نااهلان افتاده بود، به تصویر کشد. استاد خالد الحلبونی در کتابش با عنوان **دیک الجن الذاتیة و الإبداع** با اشاره به نکته یادشده می‌افزاید ابوالعلاء المعری به این پدیده زندگی دیک‌الجن پی برده و در **رسالة الغفران** خود می‌گوید: یکی عبد السلام بن رغبان مشهور به دیک‌الجن را در خواب دید و ابیات فائیه‌اش را به وی یادآور شد:

خُذِي حَلَبَ الحياةِ و لا تَبيعي رَجَاءكِ بالمخافَة لَنْ تَخافي
هيَ الدُّنْيا و قَدْ نَعِمُوا بأُخْرَى و تَسْوِيفُ النُّفُوسِ مِنَ السَّوافِ
فإنْ كَذَبُوا أَمِنْتَ و إنْ أَصَابُوا فإنَّ الْمُبْتَلِيكَ هُوَ المعَافي
و أَصْدَقُ ما أَبُثُّكَ أنَّ قَلْبي بِتَصْديقِ القِيَامَةِ غَيْرُ صَافِ

دیک‌الجن گفت: من چنین چیزهایی را به بازی می‌گرفتم و بدان اعتقادی نداشتم (الحلبوني، ۲۰۰۱.م: ۱۱۰).

اهل بیت (ع) در آینه شعر دیک الجن

دیک‌الجن حمصی در عصری زندگی می‌کرد که به عصر عباسی اول شهرت دارد. این عصر میدان پیدایش بسیاری از جریان‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بود. در زمینه سیاست، گرایشات و جریانهای سیاسی مختلفی در این عصر دیده می‌شد که دو تا از آنها، هم نمود بیشتری داشتند و هم از اهمیت زیادتری برخوردار بودند. اولین این جریان‌ها، جریان قدرت حاکم بود که خلفای عباسی سردمداران آن بودند، و دیگری جریان معارضین بود که خود، شاخه‌های مختلفی داشت و شیعه از مهم‌ترین این شاخه ها به شمار می‌رفت. از میان این جریان‌ها، دیک‌الجن حمصی در صف معارضان و مخالفان بنی‌عباسی ایستاد که به کمک شیعیان و به نام بنی‌هاشم حکومت امویان را سرنگون کردند و سپس همین شیعیانی را که تنها به کمک آنها بدین مهم نائل آمده بودند، از خلافت راندند. وی به دنبال آن بود تا با شعر و ادبش از حق غصب شده اهل بیت (ع) در امر خلافت دفاع کرده و غاصبان و مصادره کنندگانش را رسوا سازد، و خود بهتر از هر کسی می دانست که با این گرایشات سیاسی که دارد، جایی در دربار خلفا نخواهد داشت بنابراین بهتر آن دید که در دامان طبیعت و به دور از صاحبان قدرت، روزگار بگذراند و شعرش را در پای خوکان نریزد بلکه از آن در راه دفاع از حق و حقیقت استفاده کند.

ابوالفرج اصفهانی در کتابش **الأغاني** درباره گرایش سیاسی دیک‌الجن می‌گوید: «دیک الجن شیعه‌ای نیک بود و مرثیه‌های زیادی در رثای حسین بن علی (ع) دارد که از آن جمله است:

يا عَيْنُ لا لِلغَضَا و لا الكُثُبِ بُكَا الرَّزَايا سِوَى بُكَا الطَّرَبِ

همه، این مرثیه را می‌شناسند و بدان نوحه‌سرایی می‌کنند و وی اشعار زیادی در این معنی دارد.» (الإصفهاني، ج ۱۴: ۵۱).

دیک‌الجن در مقابل سلطه حکومت عباسیان، در کنار اهل بیت (ع) ایستاد و تلاش کرد تا با شعر و زبانش از آنها دفاع نماید. وی که همچون دیگر شاعران عرصه سیاست، تاریخ اسلام را به خوبی فراگرفته و تا حد زیادی هم از علم کلام خوشه‌چینی کرده بود، با اخلاص تمام نسبت به اهل بیت (ع) و با تکیه بر منطق و شیوه های جدل و استدلال، حقائق تاریخی و نقاط تاریکی را که بر ایشان گذشته بود بیان می کرد.

در کامل‌ترین دیوان از شعر دیک الجن حمصی یعنی دیوانی که مظهر الحجّی آن را گردآوری کرده است، مجموعا ۹ قصیده و قطعه حاوی ۱٦۲ بیت درباره اهل بیت (ع) به چشم می‌خورد. مهم‌ترین معانی و موضوعاتی که وی در این قصائد و قطعه‌ها بدان می‌پردازد عبارتند از:

۱. بیان ویژگیهای ممتاز اهل بیت (ع) وجایگاه والای ایشان

ویژگی‌های ممتاز اهل بیت (ع) بخش بسیار مهمی از اشعار دیک‌الجن را تشکیل می‌دهد. اهل بیت (ع) در شعر دیک‌الجن، بهترین انسان‌های روی زمین، و بندگان برگزیده خداوند هستند که از طرفی چون ماه و ستارگان که در شب، مایه هدایت شبروان هستند، به هدایت مردم می‌پردازند، و از طرفی دیگر به درخت بزرگی از نیکی‌ها و کرامات می‌مانند که همه را زیر سایه خود گرفته اند. ایشان تنها در دنیا نقش‌آفرینی نمی کنند بلکه در قیامت و آنگاه که مردم را هیچ فریادرسی نیست، نیز برای دوستانشان پناهند و برای دشمنان‌شان مایه هلاکت و نابودی:

يا صَفْوَةَ اللهِ في خَلائِقِهِ و أَكْرَمَ الأَعْجَمِينَ و العَرَبِ
أَنْتُمْ بُدورُ الهُدى و أَنْجُمُهُ وَ دَوْحَةُ المِكْرُمَاتِ و الحَسَبِ
و سَاسَةُ الحَوْضِ يومَ لا نَهَلٌ لِمُورِدِيكُمْ مَوَارِدَ العَطَبِ

(الحمصي: ٢٠٠٤.م: ٨٥).

اهل بیت (ع) مایه امنیت و آرامش دوستداران‌شان هستند و جز با دوستی آنها، ایمان مردم کامل نمی گردد. ایشان کسانی را که امید به هدایت‌شان می‌رود، هدایت می کنند، و کسانی را که بر گمراهی و دشمنی خویش اصرار می‌ورزند، به آتش جهنم گرفتار می سازند از این رو، معیار رستگاری در دنیا و آخرت، این بزرگوارانند و بس:

هُمُ لِمَنْ والاهُمُ الأَمَانُ إذْ كانَ فيهِمْ يَكْمُلُ الإيمانُ
وَ هُمْ يَدُعُّونَ الذي لَهُمْ قَلَى لِلنَّارِ دَعّاً حيثُ كانَ المِصْطَلى
وَ هُمْ هُدَاةُ الخَلْقُ لِلرَّشَادِ و الفَوْزِ في المَبْدَأَ و المَعَادِ

(همان: ١٨٨)

در تصاویری که از شعر دیک‌الجن می‌بینیم، اهل بیت (ع) بسان پیشگامان و ستون‌های اصلی تقوای الهی ترسیم شده‌اند. ایشان که با نگاهی به چهره‌ها، اسرار پس آنها را به خوبی درمی‌یابند، همیشه در زمان‌های حساس از تاریخ اسلام که به علت پیدایش مذاهب، گرایشات و شیوه‌های مختلف گمراه‌کننده، یکتاپرستی در معرض خطر قرار گرفته، به یاری آن شتافته و نگذاشته‌اند تا چراغ ایمان و یکتاپرستی خاموش گشته و شرک و بت‌پرستی در میان مردم رواج یابد:

و تَشَعَّبَتْ طُرُقُ الضَّلالِ فَلَوْ لاكُمْ فَشَوا بالشِّركِ و الكُفْرِ
أنتُمْ أَدِلاَّءُ الهُدى و بكُمْ قَدْ سِيرَ في بَرٍّ و في بَحْرِ
و دَعائِمُ التَّقْوَى و قَادَتُها لِلفَوْزِ يَوْمَ الحَشْرِ و النَّشْرِ
و العَارِفُو سِيمَا الوُجُوهِ على الـ أَعْرافِ مَعْرِفَةً بلا نُكْرِ

(همان: ۱۴۳)

۲. مدح امام علی (ع)

گر اهل بیت (ع) برگزیدگان خدا بر روی زمین‌اند، امام علی (ع) برگزیده و پیشوای این بزرگواران است. وی از نظر پیامبر (ص)، بهترین مخلوق روی زمین است و برای ایشان به برادری واقعی می‌ماند. جایگاه او نسبت به رسول خدا (ص) جایگاه هارون نسبت به موسی (ع) است. این دو بزرگوار چون تکمه و پیراهن همراه همیشگی و جدایی‌ناپذیر یکدیگرند. امام علی (ع) داماد پیامبر (ص) است که ایشان، سرور بانوان دو عالم و پاره تنش؛ فاطمه زهرا (س) را به امر پروردگار به ازدواج آن حضرت درآورده است:

إنَّ الرَّسُولَ لَمْ يَزَلْ يقولُ و الخَيْرُ ما قالَ بهِ الرَّسولُ
إنّكَ مِنّي يا عَلِيٌّ الأَبِي بحيثُ مِنْ مُوساهُ هَرونُ النَّبِي
لكنَّهُ ليسَ نبيٌّ بَعْدي فأنتَ خَيْرُ العالمِينَ عِندي
و أنتَ مِنّي الزِّرُّ مِنْ قَمِيصي و ما لِمَنْ عاداكَ مِنْ مَحِيصِ
و أنتَ لي أَخٌ و أنتَ الصِّهْرُ زَوَّجَكَ الذي إليهِ الأَمْرُ
رَبُّ العُلَى بفاطِمِ الزَّهْراءِ ذاتِ الهُدَى سَيِّدةِ النِّساءِ

(همان: ۱۸۷)

امام علی (ع) نه تنها برادر و داماد پیامبر (ص) است بلکه وصی و جانشین آن بزرگوار در امر خلافت نیز هست که در روز غدیر خم پیامبر (ص) بازویش را بالا برد و ندا داد: ای مردم هر که من مولای او هستم پس از من ایشان (امام علی) مولای اوست:

أَلَيْسَ قامَ رسولُ اللهِ يَخْطُبُهمْ و قالَ: مَوْلاكُمُ ذَا أَيُّها البَشَرُ
أَضَبْعَ غَيْرِ عَلِيٍّ كانَ رافِعَهُ مُحَمَّدُ الخَيْرِ أَمْ لا تَعْقِلُ الحُمُرُ

(همان: ۱۳۳)

امام علی (ع) چنان شجاع و دلیر است که در بحبوحه جنگها آنگاه که ندای هل من مبارز؟ بر می‌خیزد و کسی را یارای استجابت نیست، تنها ایشان است که شمشیرش را که فاصل حق و باطل است، برداشته و به میدان مبارزه می‌شتابد و دشمنان اسلام و قرآن را یکی پس از دیگری از پای در می‌آورد:

وَ مَنْ كَعَلِيٍّ إذا مادَعَوْا نَزَالِ، و قَدْ قَلَّ مَنْ يَنْزِلُ
تَراهُ يَقُدُّ جُسومَ الرِّجالِ فَيَنْدَحِرُ الأَوَّلُ الأَوَّلُ
و كَمْ ضَرْبَةٍ واصَلَتْ كَفُّهُ لِفَيْصَلِهِ فاحْتَوَى الفَيْصَلُ
سَطَا يومَ بَدْرٍ بِقِرْضَابِهِ وَ في أُحُدٍ لَمْ يَزَلْ يَحْمِلُ
و مِنْ بَأْسِهِ فُتِحَتْ خَيْبَرٌ و لَمْ يُنْجِها بابُها المُقْفَلُ
دَحَا أربعينَ ذِراعاً بِها هِزَبْرٌ لَهُ دانَتِ الأَشْبُلُ

(همان: ١٩٣)

ایشان در راه اسلام و قرآن همیشه ثابت‌قدم است و حتی زمانی که دیگر همراهانش در تنگناها قرار می‌گیرند و پاهایشان می‌لغزد، او راه راست و درست را گم نکرده و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود:

ثَبْتٌ إذا قَدَمَا سِوا هُ في المِهاوِي زَلَّتَا

(همان: ٩٣)

وی که به خاطر هدایتگری و شجاعتش، از طرف خداوند به «لا فتی إلا علی لا سیف إلا ذوالفقار» مفتخر گشته، از بیان شیوا و برهان قاطع نیز بی‌بهره نیست زیرا این، بیان رسا و برهان‌های روشن و قاطع ایشان است که از طرفی، به هنگام مجادله و مباحثه با مشرکان، آنها را از پاسخ‌دادن، عاجز کرده و زبان‌شان را بند می‌آورد:

و إذا تَكَلَّمَ في الهُدى حَجَّ الغَوِيَّ وأَسْكَتا
فَلِفَكِّهِ و لِهَدْيِهِ سَمَّاهُ ذُو العَرْشِ الفَتى

(همان: ٩٣)

و از طرفی دیگر، موجبات ایمان گروهی را فراهم می‌آورد که هرچند کافر بوده ولی لجاجتی بر کفرشان نداشته‌اند:

حتّى إذا أَبْصَرَ الأَحياءُ مِنْ يَمَنٍ بُرْهَانَهُ آمَنُوا مِنْ بَعْدِمَا كَفَروا

(همان: ١٣٢)

امام علی (ع) با وجود این همه شجاعتی که دارد مظلوم نیز می‌باشد زیرا هرچند این، امام علی (ع) است که همیشه در جنگ‌هایی که در دفاع از اسلام و قرآن رخ می‌دهد، با رشادت تمام، بر دیگران پیشی می‌گیرد، اما آنگاه که پای خلافت و جانشینی پیامبر (ص) به میان می‌آید، غاصبانِ جانشینی وی که پیشتر، خودشان را پشت سر امام علی (ع) پنهان می‌کردند، این‌بار سینه سپر می‌کنند و ظالمانه بر آن حضرت پیشی می‌گیرند:

جَعَلوكَ رابِعَهُمْ أبا حَسَنٍ ظَلَمُوكَ و رَبِّ الشَّفْعِ و الوَتْرِ
و عَلى الخِلافَةِ سابَقُوكَ و ما سَبَقوكَ في أُحُدٍ و لا بَدْرٍ

(همان: ١٤٣)

۳. رثای امام حسین (ع) و یاران وفادارش

اگر کمیت بن زید اسدی، مقدمات طللی و غزلی قصیده عربی را به مدح اهل بیت (ع) تغییر داد و به‌جای اینکه از دیدن سرانگشتان زیبا و حنابسته یار، یا مشاهده خرابه‌های برجای مانده از سرای وی، به وجد آید، از یادآوری فضائل و کرامات اهل بیت (ع) به طرب می‌آمد:

طَرِبتُ و ما شوقاً إلى البِيْضِ أَطْرَبُ و لا لَعِباً مِنِّي و ذُو الشَّيْبِ يَلْعَبُ
و لَمْ يُلهِنِي دارٌ و لا رَسْمُ مَنْزِلٍ و لَمْ يَتَطَرَّبْنِي بَنَانٌ مُخَضَّبُ
و لكِنْ إلى أَهْلِ الفَضَائِلِ و النُّهَى و خَيْرِ بَنِي حَوَّاءَ و الخَيْرُ يُطْلَبُ
إلى النَّفَرِ البِيْضِ الذِينَ بِحُبِّهِمْ إلى اللهِ فِيما نَالَنِي أَتَقَرَّبُ
بَنِي‌هَاشِمٍ رَهْطِ النَّبِيِّ فَإِنَّنِي بِهِمْ وَ لَهُمْ أَرضَى مِراراً و أَغْضَبُ

(الأسدي: ۹۳)

دیک‌الجن هم، نه از ذکر اطلال و دمن یار، بلکه از یادآوری مصیبت‌های وارد آمده بر امام حسین (ع) و یاران وفادارش در صحرای کربلا به گریه و زاری می‌پردازد و از شدت غم و اندوه، دیدگانش را به ریختن هرچه بیشتر اشک فرا می‌خواند:

يا عَيْنُ لا لِلغَضَا و لا الكُثُبِ بُكَا الرَّزَايا سِوَى بُكَا الطَّرَبِ
جُودِي و جِدِّي بِمِلْءِ جَفْنِكِ ثُـ ـمَّ احْتَفِلِي بالدُّمُوعِ و انْسَكِبِي
يا عَيْنُ في كَرْبَلا مَقَابِرُ قَدْ تَرَكْنَ قَلْبِي مَقابِرَ الكُرَبِ
مَقابِرُ تَحتَها مَنابِرُ مِنْ عِلْمٍ و حِلْمٍ و مَنْظَرٍ عَجَبِ
مِنْ البَهالِيلِ آلِ فاطِمَةٍ أَهْلِ المعَالي و السَّادَةِ النُّجُبِ
كَمْ شَرِقَتْ منهُمُ السُّيوفُ و كَمْ رُوِّيَتِ الأرضُ مِنْ دَمٍ سَرِبِ
نَفْسِي فِدَاءٌ لَكُمْ و مَنْ لَكُمُ نَفْسِي و أُمِّي و أُسْرَتِي و أَبِي

(الحمصي: ۲۰۰٤.م: ۸٤).

کسانی که با امام حسین (ع) در صحرای کربلا به شهادت رسیدند همگی از بزرگان و شریفانی بودند که خانه خدا و حجر الأسود، از اشتیاق‌شان ناله شوق سر می‌دهند و حتی آیات و سوره‌های قرآن کریم هم بر مظلومیت آنها می‌گریند:

أينَ الحُسَيْنُ و قَتْلَى مِنْ بَني حَسَنٍ و جَعْفَرٍ و عَقِيلٍ غالَهُمْ عُمَرُ
قَتْلَى يَحِنُّ إليها البَيْتُ و الحَجَرُ شَوْقاً، و تَبْكِيهُمُ الآياتُ و السُّوَرُ

(همان: ۱۳۱)

قاتلان امام حسین (ع) با کشتن پاره قلب رسول الله گویی آشکارا خود پیامبر (ص) را کشتند. آنها که بی‌توجه به قرآن و احادیث نبوی، امام حسین (ع) را تشنه به شهادت رساندند، به هنگام کشتن وی، ندای الله اکبر سر می‌دادند، غافل از اینکه با این کار زشت‌شان نه تنها وی بلکه کل اسلام و قرآن را از بین می‌برند:

جَاؤُوا بِرَأْسِكَ يا بْنَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ مُتَرَمِّلاً بِدِمَائِهِ تَرْمِيلا
و كَأَنَّمَا بِكَ يا بْنَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ قَتَلُوا جِهَارا عَامِدِينَ رَسُولا
قَتلوكَ عَطْشَاناً و لَمَّا يَرْقُبوا فِي قَتْلِكَ التَّنْزِيلَ و التَّأْوِيلا
و يُكَبِّرونَ بأنْ قُتِلْتَ و إنَّما قَتَلُوا بِكَ التَّكْبِيرَ و التَّهْلِيلا

(همان: ١٨٤)

٤. رثای حضرت فاطمه (س) و وصف آسمانی ازدواج ایشان با امام علی (ع)

علاوه بر امام علی و امام حسین (ع) که بخش زیادی از اشعار دیک‌الجن را به خود اختصاص داده‌اند، حضرت فاطمه (س) نیز در شعر این شاعر گران‌مایه، سهمی دارد. دیک‌الجن دو قطعه شعری درباره حضرت فاطمه (س) دارد که یکی از آنها تماما در رثای ایشان است و شاعر در آن با مخاطب قرار دادن قبر آن حضرت که به‌خاطر در خود جای‌دادن پیکر پاک پاره تن رسول الله، از آن، عطر و بوی خوش برخاسته و هیچ قبری در مدینه به پای آن نمی‌رسد، به رثای حضرت زهرا (س) می‌پردازد:

يا قَبْرَ فاطِمة الذي ما مِثْلُهُ قَبْرٌ بِطَيْبَةَ طابَ فيهِ مَبِيتَا
إذْ فِيكَ حَلَّتْ بِضْعَةُ الهَادِي الّتي تُجْلَى مَحَاسِنُ وَجْهِها حُلِّيتَا

(همان: ٩٢)

اما در قطعه دیگر، ازدواج ایشان با امام علی (ع) را که به امر پروردگار صورت پذیرفته، به تصویر کشیده و از امام حسن و امام حسین (ع) که نتیجه این ازدواج آسمانی هستند و با وجود آنها شمل اصحاب عبا کامل شده، سخن رانده است:

فَرُدَّ مَنْ يَخْطُبُ فاللهُ قَضَى بأنْ تكونَ زَوْجَةً لِلمُرْتَضَى
وَ قَدْ حَبانِي منكُمُ البِضْعَ بِطَيْنِ هُما بَحَلْيِ العَرْشِ كالقُرْطَيْنِ
فالحمدُ للَّهِ على ماقَدْ حَبَا بِخَمْسَةِ الأَشْباحِ أَصْحَابِ العَبَا
هُمُ لِمَنْ والاهُمُ الأَمَانُ إذْ كانَ فيهِمْ يَكْمُلُ الإيمانُ

(همان: ١٨٧)

شایان ذکر است چیزی که در دیوان دیک‌الجن حمصی خودنمایی می‌کند، خالی بودن این دیوان ارزشمند از مدائح نبوی می‌باشد. علت این امر نیز ظاهرا آن است که دیک الجن با داشتن عواطفی ناب، نیرومند و جوشان، نتوانسته خود را از هم و غم غصب شدن جانشینی پیامبر (ص)، و ظلم و ستم وارد شده بر خاندان آن حضرت رها کرده تا فراغتی دست دهد و به مدح ایشان بپردازد. به زبانی دیگر، بیان حق غصب شده خاندان پیامبر (ص)، و ظلم و ستم وارد آمده بر آنان، دیک الجن را از سرودن مدائح نبوی بازداشته است (الحلبوني، ٢٠٠١.م: ١٤٣).

نتیجه پژوهش

با انجام این پژوهش که در واقع تلاش کوچکی است در راستای معرفی دیک‌الجن حمصی که عمر و شعرش را در پای خوکان و صاحبان زر و زور نریخت و آن را وقف اهل بیت (ع) کرد دیدیم که این شاعر گرانمایه چگونه با بکار گیری شعرش در راستای خدمت به اهل بیت (ع)، از آنها در مقابل دشمنان و بدخواهان دفاع کرده است. این شاعر که یکی از بزرگ‌ترین و شاخص‌ترین شاعران عرصه زبان و ادبیات عربی در عصر عباسی یعنی عصر طلایی تاریخ و تمدن اسلامی بوده است اما به دلیل داشتن باورها و گرایشات شیعی، و اختصاص دادن بخش قابل توجهی از اشعارش به اهل بیت (ع)، در طول تاریخ، نادیده گرفته شده و علی‌رغم شایستگی‌های ادبی‌اش، سهمی جز حاشیه‌نشینی در ادبیات عربی نبرده است، در جای جای اشعارش از اهل بیت (ع) یاد کرده و به وصف صفات نیکوی ایشان پرداخته است در کامل‌ترین دیوان از شعر دیک الجن حمصی یعنی دیوانی که مظهر الحجّی آن را گردآوری کرده است، مجموعا ۹ قصیده و قطعه حاوی ۱۶۲ بیت درباره اهل بیت (ع) به چشم می‌خورد. مهم‌ترین معانی و موضوعاتی که وی در این قصائد و قطعه‌ها بدان می‌پردازد عبارتند از: بیان ویژگیهای ممتاز اهل بیت (ع) وجایگاه والای ایشان، مدح امام علی (ع) و دفاع از جانشینی او در خلافت پیامبر بزرگ اسلام با بر شمردن ویژگیهای و توانمندی های وی، رثای امام حسین (ع) و یاران وفادارش و توصیف آنچه که در صحرای کربلا بر ایشان گذشت، و سرانجام، رثای ام ابیها حضرت فاطمه زهرا (س) و وصف آسمانی ازدواج ایشان با امام علی (ع).

المصادر و المراجع

١. إبن خلّكان. (١٩٧٨.م). **وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان**. تح إحسان عباس. بيروت: دار صادر.

٢. الأسدي، الكميت. (لا. تا). **القصائد الهاشميات**. تح محمد شاكر الخياط النابلسي، مصر: مطبعة الموسوعات.

٣. الإصفهاني، أبو الفرج. (لا. تا). **الأغاني**. القاهرة: دار الكتب.

٤. الجهشياري، محمد بن عبدوس. (١٩٣٨.م). **الوزراء والكتاب**. تح مصطفى السقا وآخرون، القاهرة.

٥.الحجي، مظهر الحجي. (١٩٨٩.م) **ديك الجن الحمصي**. دمشق: دار طلاس.

٦. الحلبوني، خالد.(٢٠٠١.م). **ديك الجن الذاتية والإبداع**. دمشق: دار اليمامة.

٧. الحمصي، ديك الجن.(٢٠٠٤.م). **ديوان ديك الجن الحمصي عبدالسلام بن رغبان**. تح مظهر الحجي، دمشق: إتحاد الكتاب العرب.

٨. سويلم، أحمد. (لا. تا). **ديك الجن شاعر الحب والندم**. القاهرة: دار المصرية اللبنانية.

٩. صافي، عبدالعليم. (٢٠٠٦.م). **ديك الجن الحمصي رائد الصنعة الفنية في الأدب العربي دراسة تحليلية**. حمص: دار الإرشاد للنشر.

١٠. مجاعص، سليم. (لا. تا).**ديك الجن تهافت الرواة وشفافية النص**. بيروت: دار أمواج.

١١. نورالدين، حسن جعفر.(١٩٩٠.م) **ديك الجن الحمصي عصره وحياته وفنونه الشعرية**. بيروت: دار الكتب العلمية.

التنظيرات و النقد فى الأدب العربي
السنة الرابعة، العدد ١٥، خريف ١٤٠٣
صص: ٣٦-٢١

مقاله پژوهشی
DOI: ٢٦٠٢-١١٠٢

أهل البيت (ع) في مرآة شعر ديك الجن الحمصي

مرتضى قديمي [١]

(تاريخ ارسال: ١٤٠٤/١١/٢٠ ، تاريخ پذيرش: ١۴٠۴/١٢/٠۴)

الملخص

ما تقرأونه تحت عنوان «أهل البيت (ع) في مرآة شعر ديك الجن الحمصي» هو محاولة متواضعة للتعريف بحياة وشعر أحد أبرز شعراء اللغة العربية وآدابها، الذي كرّس شعره لأهل البيت (ع). يقدم هذا البحث أولًا لمحة عن حياة ديك الجن الحمصي إستنادا إلى مصادر موثوقة، ثم، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي وبالرجوع إلى المصادر الأصلية، يستخلص القصائد والمقاطع الشعرية التي يصف فيها الشاعر أهل البيت (ع)، ويعرض ويشرح صورة أهل البيت (ع)، التي تُعدّ من أهم المواضيع في شعر ديكالجن. على الرغم من أن ديك الجن الحمصي كان من أعظم شعراء اللغة العربية وآدابها في العصر العباسي، العصر الذهبي للحضارة والتاريخ الإسلامي، إلا أنه طُمس تاريخيًا بسبب معتقداته وميوله الشيعية، وتخصيصه جزءا كبيرا من قصائده لأهل البيت (ع)، ورغم إسهاماته الأدبية، فقد بقي مهمشا في الأدب العربي. وفي المجموعة الأكثر اكتمالا لشعر ديك الجن الحمصي، التي جمعها مظهر الحجي، توجد تسع قصائد ومقطوعة تضم ١٦٢ بيتا شعريا في مدح أهل البيت (ع). أهم المعاني والمواضيع التي يتناولها في هذه القصائد والنصوص هي: التعبير عن الصفات المميزة لأهل البيت (ع) ومكانتهم الرفيعة، ومدح الإمام علي (ع) والدفاع عنه في خلافة النبي الاكرم، ورثاء الإمام الحسين (ع) وأصحابه المخلصين ووصف ما حدث لهم في وقعةكربلاء، وأخيرا، رثاء السيدة فاطمة (عليها السلام) ووصف نعيم زواجها من الإمام علي (ع).

الكلمات المفتاحية: أهل البيت(ع)، ديك الجن الحمصي، شعر ديك الجن الحمصي، أهل البيت(ع) في شعر ديك الجن الحمصي، الأدب الملتزم لأهل البيت(ع).

---

١. أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: morteza.ghadimi@kub.ac.ir